

## روشن کردن آتش اجاق روستا مسئولیت اجتماعی من است



شرمین نادری نویسنده

روستای کهنانی کش در منطقه دشتیاری پشت رودخانه پراپ و گاندوهای سرباز گیرکرده و رفت‌وآمد برای دانش‌آموزانش خیلی سخت است، همین هم هست که در فصل‌های بارانی اغلب کسی از روستا خارج نمی‌شود و دختران روستایی اغلب بعد از دبستان درس نمی‌خوانند. روستا کتابخانه‌ای هم ندارد که بچه‌های روستایی و کنکوری‌ها جایی برای کتاب خواندن داشته باشند. زمین بازی و وسایل بازی‌ای هم نیست تا بچه‌ها را در آن روستای دور از مرکز، سرگرم کند، بماند که امکانات آموزشی و بهداشتی و غیره هم چنگی به دل نمی‌زند. این روزها اما با کمک سود فروش صنایع دستی دختران روستایی دیگر، اهالی «روستاتیش» برای دخترکان روستایی امکان تحصیل در مقطع بالاتر را فراهم می‌کنند، برای ساخت مدرسه متوسطه روستا را به خیرین معرفی کرده‌اند و برای بچه‌ها کتاب جمع می‌کنند. روستاتیش که تا امروز برای آن بچه‌ها اسمی ناشناخته بوده حالا کم کم دارد در روستا مشهور می‌شود، خیلی‌ها می‌دانند روستاتیش استارت‌آپی کوچک است که با فروش محصولات روستایی سعی در بهتر ساختن شرایط معاش روستا دارد. این استارت‌آپ با پروژه‌های توسعه روستایی که برای روستاهای همراهش تعریف می‌کند، تلاش دارد که شرایط تحصیلی و آموزشی بچه‌های روستا را ارتقا دهد. روستاتیشی‌ها در ساخت کتابخانه مشارکتی کهنانی کش نقش مدیر پروژه را به عهده گرفته‌اند. در ساخت زمین بازی روستای کهنانی بالا، از طراحی و کمک فیزی به دهبازی روستا و جمع کردن کمک مالی برای ساخت همراه بوده‌اند. شاید بزودی محصولی مثل لیمو یا بافته‌های دست زنان روستایی کهنانی کش هم به گروه محصولات روستایی‌ای که این استارت‌آپ می‌فروشد اضافه شود، هم به امید مستقل شدن زنان روستایی از لحاظ مالی و کمک به معیشت خانواده و هم برای اینکه جایی دیگر بچه‌ای دیگر با سود این فروش بهتر درس بخواند.

در تمام دو سال گذشته، همراه این گروه بارها سفرکرده‌ام و شاهد بهتر شدن شرایط بچه‌های روستاهای خراسان جنوبی و دشتیاری و کرمان بوده‌ام. در تجهیز کتابخانه روستای دهکهان، گروه را همراهی کردم و وقتی برای دختران از تحصیل مانده تاجمیری کتاب جمع می‌کردند، همه دوستانم را برای همراهی توی بازی آوردیم. روستاتیش برای من، نام یک استارت‌آپ ساده نیست که محصولات محلی روستاهای کشورم را می‌فروشد. خانه امنی بوده که در تمام این دو، سه سال تیره و تار یادم داده که از آن پشتیبان و کمکی باشم به معیشت زنان روستایی. نگاه کنم که چطور بچه‌های روستا در کنار مادران کم دغدغه بهتر می‌یابند و بهتر درس می‌خوانند. حتی به لطف پروژه‌های توسعه روستایی روستاتیش درخت‌ها و قنات‌ها و محیط زندگی شان را بیشتر دوست دارند. همه ما وقتی عروسی از دختران تاجمیری خریدیم تا به تلبت‌های هدیه روستاتیش به‌صورت آفلاین درس بخوانند یا با خرید گلدوزی‌های بی‌بی سارمرانی به جمع کردن چهریز به دخترش کمک کردیم، یکی از اهالی روستاتیش هستیم که می‌خواهیم آتش اجاق روستایی را زنده نگه داریم. انواع و اقسام اجناس و صنایع دستی و گلدوزی در بازار وجود دارد و هست، اما در روستاتیش علاوه بر توانمندسازی و مستقل شدن زنان روستایی، بخش اعظمی از سود فروش محصول، خرج کتاب و کتابخانه و تلبت و حتی ساخت اتاقی برای دختران کنکوری سیدیار یا کهنانی می‌شود. فرقی نمی‌کند که روستای بعدی که اهالی روستاتیش انتخاب کرده‌اند کجا باشد، خراسان جنوبی یا گلستان یا اسفراین و بلوچستان، من تا آخر دنیا پشت سر این گروه می‌روم و با صدای بلند می‌گویم که یکی از آنها هستم و این مسئولیت اجتماعی من است.

## ضرغامی: بودجه کافی برای مرمت آثار باستانی نداریم

**ایران زمین** - وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گفت: حفاظت از آثار باستانی، نیازمند هزینه است و اعتبارات وزارتخانه به اندازه‌ای نیست که این مرمت و بازسازی صورت گیرد، متأسفانه این وزارتخانه، وزارتخانه فقیری است.

به گزارش خانه ملت، عزت‌الله ضرغامی با اشاره به اینکه بلایای طبیعی تهدیدی جدی برای آثار باستانی هستند تصریح کرد: بخشی از فعالیت وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری اختصاص به احیا و مرمت، حفظ و صیانت از بناهای تاریخی و آثار باستانی دارد، در نظر گرفتن اعتبارات بودجه‌ای در این بخش با حفظ اولویت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. وی افزود: حفظ و نگهداری آثار باستانی و بناهای تاریخی از بلایای طبیعی و غیر طبیعی از اولویت‌های وزارتخانه است و باید هرچه سریع‌تر مرمت و بازسازی آنها در دستور کار قرار گیرد. وزارتخانه میراث فرهنگی نسبت به آسیب‌های عمدی و غیر عمدی وظیفه دارد. متأسفانه بلایای طبیعی نظیر سیل، زلزله، طوفان و... قابل پیش‌بینی نیست، اما باید نسبت به حفاظت از آنها پیش از وقوع حادثه فکر و اندیشه‌ای داشته باشیم.

عضو کابینه دولت سیزدهم تصریح کرد: در ۳ سفر استانی که وزارتخانه همراه دولت بود، اعتبارات بودجه‌ای مناسبی در نظر گرفته شده و گزارش‌های آنها را به‌صورت مستقل اعلام کردیم، برخی آثار باستانی را که نیازمند حفظ و مرمت فوری هستند در دستور کار قرار داده‌ایم. در بقیه سفرهای استانی دیگر هم باید یک بودجه مستقل دیگر در نظر بگیریم.

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی همچنین با انتشار ویدیویی با عنوان «میراث فراموش‌شده» در صفحه شخصی خود نوشت: بتدریج در بازدیدهایی که از ابنیه تاریخی مرمت نشده دارم، به این نتیجه می‌رسم که بخش قابل توجهی از میراث ارزشمند ما درحال نابودی کامل است.سید عزت‌الله ضرغامی با انتشار پستی در صفحه مجازی خود در اینستاگرام نوشت: «به دلایل مختلف و برخی سوءتفاهم‌ها کارها نیمه‌کاره رها شده و جسارت تصمیم‌گیری از مدیران مربوطه سلب می‌شود. از خانه رضاخانی، خانه سرهنگ ایرج، عمارت مسعودیه و چند بنای تاریخی دیگر تهران بازدید کردم تکلیف بعضی چیزها هم روشن شد.»

## یادداشت

### هستی‌بخنباری

خبرنگار

طرح عبور مسیر آزاد راه اصفهان - شیراز (کنار گذر شرق) از پارک ملی و پناهگاه حیات‌وحش کلاه قاضی با مخالفت سازمان حفاظت محیط زیست کشور، منتفی شد. مخالفت دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط زیست کشور محسوب می‌شود، از مسیر این بزرگراه خارج کرد تا اصفهانی‌ها - دست کم- سخت‌تر از این، نفس نکشند. پارک ملی کلاه قاضی و حیات وحش قمیشلو آخرین گریزگاه‌های تنفسی کلانشهر اصفهان هستند. رضا اقتدار، مدیرکل دفتر مدیریت زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط زیست در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «گزینه انتخابی اداره راه به پارک ملی کلاه قاضی آسیب می‌زند. مسیر پیشنهادی از سوی اداره راه از نظر دفتر زیستگاه‌ها منتفی است و مشاور آنها باید مسیر جایگزین را برای بررسی به ما معرفی کند.» به گفته اقتدار کلاه قاضی پارک ملی است و براساس قانون هرگونه تخریب و تصرف در فضای سبز و پوشش گیاهی آن ممنوع است.

مسئولان محلی محیط زیست اصفهان پروژه آزادراه را یک طرح ملی می‌دانند، بنابراین حاضر به گفت‌وگو درباره آن نمی‌شوند. اقتدار در نامه‌ای که به حشمتی مدیرکل محیط زیست اصفهان می‌نویسد، می‌گوید: «اصلاح مسیر آزادراه کنار گذر شرقی اصفهان در

داخل محدوده پارک ملی کلاه قاضی مورد تأیید این دفتر است. ضرورت دارد ضمن جلوگیری از هرگونه دخل و تصرف در محدوده پارک ملی کلاه قاضی (در مسیر مدنظر) اقدام لازم جهت اصلاح و خارج نمودن مسیر پروژه از پارک ملی کلاه قاضی صورت پذیرفته و از نتایج، این دفتر را مطلع فرمایند.» پیش از آنکه سازمان حفاظت محیط زیست کشور مخالفت قاطع خود را با عبور جاده اعلام کند دوستانان محیط زیست در کارزار مجازی که از ۱۲ آبان ماه سال جاری آغاز شد، لغو مجوز عبور آزادراه کنار گذر شرق اصفهان از

محدوده پارک ملی کلاه‌قاضی را از رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور خواستار شدند. در این کارزار در مدت ۱۰ روز گذشته ۳۳۴۵ امضا در مخالفت با عبور آزادراه از پارک ملی و پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی جمع‌آوری شده است. آنها در نامه‌ای به «علی سلاجقه» معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور فعالیت‌های معدنی، تعارضات جاده‌ای، بیماری‌های واگیردار، خشکسالی و آلودگی‌های محیط زیستی و نهایتاً معضل جزیره‌ای شدن زیستگاه را از جمله تهدیدات روزافزون حیات این

زیستگاه راهبردی و مهم دانسته‌اند. آنها در نامه یادآور شده‌اند در صورت احداث جاده، قطع بقعین شاهد گسست اکولوژیک پارک ملی کلاه‌قاضی و نابودی تنوع زیستی در میان‌مدت خواهیم بود. محدودده مهمی از زیستگاه آهو، کل و بز از بین خواهد رفت و مخاطرات حفاظتی و زیست‌محیطی این منطقه افزایش خواهد یافت. این نمکی مضاعف بر پیکر زخم خورده پارک ملی کلاه‌قاضی است.» دوستانان محیط زیست با توجه به وجود مسیرهای جایگزین مانند محور قلعه‌شور به جاده بهارستان یا محمدآباد عبور جاده از

پارک ملی را به دلیل کم هزینه بودن آن اعلام کرده‌اند. یکی از مسئولان استانی محیط زیست اصفهان هم در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «مجریان جاده، مسیر جایگزین دارند اما چون هزینه‌ای بیشتری طلبد همچنان اصرار دارند جاده از دل پارک ملی بگذرد.» تا این سؤال پیش بیاید آیا محیط زیست اصفهان تاب می‌آورد؟ شورای شهر و شهرداری اصفهان بارها اعلام کرده‌اند که شهر تاب‌آوری خودش را از دست داده است. اصفهان هم با آلودگی هوا درگیر است هم با کمبود آب. گاوخونی به سختی نفس می‌کشد. زاینده‌رود خشک شده است. فرونشست به جان تاریخ صفوی اش افتاده است. بخشی از کلاه قاضی را توسعه بهارستان بلعیده و همچنان کلاه قاضی را آزار می‌دهد. جاده‌ای، قمیشلو ریه دیگر شهر را دو نیم کرده و گذر خودروها کابوس حیات

وحش اش شده است. ■ کابوس ظل السلطان برای سیه چشمان قمیشلو طرح گردشگری ظل السلطان هم مدت هاست آهوان سیه چشم قمیشلو را نگران کرده است. قمیشلو در ۲۵ کیلومتری اصفهان یکی از گریزگاه‌های تنفسی این شهر است. رضا اقتدار می‌گوید: «طرح گردشگری ظل السلطان در دست بررسی است و موافقت و مخالفت سازمان حفاظت محیط زیست کشور با این طرح منوط به پایان این بررسی‌هاست.» او تهدید جدی قمیشلو را جاده‌ای می‌داند که از دل پناهگاه حیات وحش آن گذشته و یکپارچگی زیستگاه را از بین برده است. به گفته اقتدار، محیط‌زیست به دنبال ایجاد زیرگذر و فنس کشی در پناهگاه برای کاهش آهوان قمیشلو است.

## کرونا راه معیشت زنان روستایی خراسان جنوبی را سد کرد

## عروسک‌های نان آور «خانه تاریخی فروتنی» بیر جند چشم انتظار بازگشت گردشگران

### حمیرا حیدریان

خبرنگار

خانه فروتنی یکی از خانه‌های تاریخی دیدنی در بیرجند و استان خراسان جنوبی به حساب می‌آید. این خانه پس از مرمت و با حفظ اصالت گذشته خود تبدیل به موزه عروسک بیرجند شده است. بازدیدکنندگان ضمن تماشای عروسک‌های مختلف کشورمان و آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم مردم محلی منطقه، می‌توانند از تماشای معماری زیبای این خانه لذت ببرند. همچنین می‌توانند با نوحه عروسک‌سازی زنان بومی منطقه آشنا شوند و سوغاتی ارزشمند از این مکان برای خود تهیه کنند؛ موزه‌ای با تائکون با هزاران بازدیدکننده توانسته است رتبه سوم بازدیدهای مردمی را در کل موزه‌های خصوصی کشور به خود اختصاص دهد.

کارشناس مردم شناسی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی در گفت‌وگو با «ایران» گفت: عروسک‌های کار دست زنان عشاگیری روستاهای اطراف سربیشه و عروسک‌های محلی در فهرست آثار معنوی کشور ثبت شده است. به عبارتی می‌توان گفت این عروسک‌ها در واقع بهترین ابزار برای انتقال شفاهی تاریخ و فرهنگ این منطقه هستند. عروسک‌های بومی و محلی توسط زنان روستاهای تاجمیر، نازدشت، حجت‌آباد، همت‌آباد و اطراف شهرستان سربیشه برای بازی کودکان با رویکرد تربیتی، آموزشی و انتقال فرهنگ شفاهی به نسل بعدی ساخته می‌شود.

فریبا کاهنی با بیان اینکه

عروسک‌های بومی از پارچه و چوب و سایر اشیای موجود در خانه تولید می‌شوند و در ساخت آنها به جزئیات کمتر توجه شده و کامل درست نمی‌شوند، افزود: این عروسک‌ها نشانه‌های فرهنگ غنی منطقه را با خود به همراه دارند و در حین ساختن آنها لایه‌ی، شعرها و خاطرات زندگی روستایی عشایری که دانش بومی ارزشمندی در آن نهفته است، احیا می‌شود. یک عروسک با پوشاک محلی، داستان‌ها و آداب و رسوم بومی محلی را معرفی می‌کنند. این کارشناس مردم شناسی با اشاره به اینکه تقویت حس سازندگی، خلاقیت و اعتماد به نفس و ایجاد شغل و معیشت از مزایای ساخت این عروسک‌های محلی است که در فهرست آثار معنوی کشور به ثبت رسیده‌اند، اظهار داشت: هر کدام از این عروسک‌ها قصه خود را دارند که به عروسک سنجاق شده است و روایتگر قصه مادری است که آن عروسک را برای دخترش درست کرده و در گذشته همین عروسک‌ها وسیله بازی کودکان این سرزمین بوده است. این عروسک‌ها در سال ۹۳ به شماره ۱۰۶۳ در فهرست میراث معنوی ناملموس کشور ثبت شده است. مدیرعامل شرکت تعاونی روستایی الغدیر نیز با بیان اینکه با شیوع بیماری کرونا طی دو سال گذشته عروسک سازان دچار ضرر زیادی شدند، گفت: با شیوع ویروس کرونا فروش عروسک‌های دست ساز توجیه به لغو قراردادهایی که قبلاً داشتیم تقریباً این درآمد صفر شده است. این زنان عروسک ساز به لحاظ مواد اولیه و تولید مشکلی ندارند و فقط برای فروش تولیدات خود با مشکل جدی مواجهند و نیازمند حمایت‌های مسئولان در این زمینه هستند. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان خراسان جنوبی نیز در این خصوص گفت: این استان ۶ موزه خصوصی دارد و موزه عروسک بیرجند تاکنون رتبه سوم بازدیدهای مردمی را در کل موزه‌های خصوصی کشور کسب کرده است.

جایی که می‌توان گفت فروشی وجود آئمه سیاری با بیان اینکه بیشترین فروش عروسک‌های محلی خراسان جنوبی از طریق حضور گردشگران در مناطق توریستی عروسک‌ها به فروش می‌رسد، افزود: بجز حضور گردشگران، برگزاری نمایشگاه‌ها و وجود موزه عروسک راه‌های فروش این محصولات به در واقع کمک به اشتغال و منبع درآمد زنان روستایی می‌کرد که متأسفانه با تعطیلی صنعت گردشگری در یک سال اخیر ضربه سنگینی به تولیدکنندگان این بخش وارد شد.

وی تعداد عروسک سازان در منطقه تاجمیر و روستاهای اطراف آن ۵۰ نفر ذکر کرد و اظهار داشت: پیش از کرونا و در شرایط عادی برای افراد ماهانه از ۵۰۰ هزار تومان تا دو میلیون تومان هم درآمد داشتند که حالا به توجیه به لغو قراردادهایی که قبلاً داشتیم تقریباً این درآمد صفر شده است. این زنان عروسک ساز به لحاظ مواد اولیه و تولید مشکلی ندارند و فقط برای فروش تولیدات خود با مشکل جدی مواجهند و نیازمند حمایت‌های مسئولان در این زمینه هستند. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان خراسان جنوبی نیز در این خصوص گفت: این استان ۶ موزه خصوصی دارد و موزه عروسک بیرجند تاکنون رتبه سوم بازدیدهای مردمی را در کل موزه‌های خصوصی کشور کسب کرده است.

حسن رضانی با اشاره به اینکه موزه عروسک با هدف حمایت از زنان روستایی و عرضه عروسک‌های دست‌ساز آنان برای فروش، در خانه فروتنی بیرجند به‌عنوان یک اثر تاریخی راه‌اندازی شد و مورد اقبال مردم و گردشگران است،



عروسک‌های محلی خراسان

## تعداد معدنکاران تاریخی ایران به ۱۰ اسکلک رسید

## راز تمدنی چند هزار ساله در مومیایی های طبیعی اردستان

### زهرا کشوری

خبرنگار

کارگران معدن «لایلنگ» اردستان به دو اسکلک مومیایی طبیعی رسیدند تا مردان نمکی معدن چهرآباد زنجان تنها مومیایی‌های طبیعی ایران نباشند. بررسی‌های اولیه قدمت دو اسکلک مومیایی اردستان را به دوره صفوی می‌برد. قدمت هشت مرد نمکی چهرآباد به دوره هخامنشی و ساسانی برمی‌گردد. علت مرگ آنها در اردستان و زنجان یکی است؛ ریزش معدن. گذشته از اردستان و زنجان، کرمان و یزد هم محل کشف مومیایی‌های طبیعی‌اند. همان‌طور که بارها باستان‌شناسان از جمله مرحوم «میرعبادین کابلی» در گفت‌وگو با «ایران» تأکید کرده بودند اجساد در ایران باستان و ایران تاریخی هرگز مومیایی نشده‌اند.

مومیایی اجساد در تاریخ باستان، کار مصریان بود اما مومیایی‌های طبیعی ایران قصه دیگری دارند. شرایط آب و هوایی در استان‌های کویری مثل یزد و کرمان، در معدن نمک چهرآباد زنجان و اینک در معدن لایلنگ اردستان باعث می‌شود تا اجساد پیش از فاسد شدن خشک بشوند و به‌اصلاح به‌صورت طبیعی مومیایی شوند. البته اطلاق مومیایی طبیعی در میان باستان‌شناسان هم مخلفاتی دارد؛ بیش از هرچیزی شرایط را برای قاچاقچیان اشیای تاریخی مساعد می‌کند. قاچاقچیان در اواسط دهه ۸۰ برای مومیایی طبیعی کشف شده در شهداد کرمان تا دومیلیارد تومان مشتری پیدا کردند اما با حضور نیروی انتظامی نتوانستند آنها را از مرز خارج کنند. آن زمان دوباره خبر پیدا شدن مومیایی در ایران شدت گرفت.



برخی حتی امروز مدعی‌اند زن مومیایی شده‌ای در ماه کشف شده که شاهزاده‌ای هخامنشی است! صدای باستان‌شناسان از جمله «میرعبادین کابلی» که ۳۸ سال زندگی خود را صرف کاوش در شهداد کرده بود هم تاکنون به‌جایی نرسیده است. این درحالی بود که جسد کشف شده در شهداد متعلق به دوره اسلامی و سلجوقی بود! در دهه ۷۰ هم قاچاقچیان مدعی شدند در مرز ایران و پاکستان جسد مومیایی شده «رودگونه دختر خشایارشاه هخامنشی» را کشف کردند. پای طالبان پاکستان هم به میان آمد. آنها می‌گفتند شاهزاده هخامنشی در مرز پاکستان پیدا شده و نباید از این کشور خارج شود. تحقیقات اما پرده از راز یک جنایت برداشت. جسد متعلق به دختری ۲۱ ساله بود که ۱۵ ماه پیش از کشف، به قتل رسیده بود. قاچاقچیان تمام امعا و احشا و مغز وی را که احتمال فساد داشته خارج و به‌جای آن از یک پودر سفیدرنگ استفاده کرده‌اند تا مومیایی کردن اجساد در ایران در حد افسانه باقی بماند؛ هرچند هویت دختر سیستانی بین یاهویی مومیایی بودن یا نبودن آن برای همیشه گم شد. کشف دو مومیایی در اردستان هم خبر مهمی برای جامعه باستان‌شناسان است اما آن‌طور که مهدی مشهدی، رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان اردستان در گفت‌وگوهای رسانه‌ای خود می‌گوید، «احتمالاً اسکلک‌های پیدا شده در این معدن، مومیایی طبیعی هستند که می‌تواند نشان از دوره جدیدی در تاریخ و تمدن چندهزارساله این منطقه باشد.» سالم ماندن اجساد اطلاعات زیادی از دوره زیست اجساد به باستان شناس می‌دهد. گورستان‌ها و مردگان بیشتر اطلاعات را به باستان‌شناسان می‌دهند. باستان‌شناسان الان می‌دانند یکی از اسکلک‌های کشف شده در اردستان فردی است بزرگسال و دیگری نوجوان. جنسیت یکی از آنها زن است. همان‌طور که کشف مردان نمکی به مطالعات بین‌المللی و همکاری ایران و آلمان منجر شد. اما این کشف هرگز به تأیید افسانه مومیایی کردن اجساد در ایران نمی‌رسد و تاریخ را عوض نمی‌کند.